

خوانش اجتماعی بیانات رهبر انقلاب در روز ولادت امیرالمؤمنین(علیه السلام) و سالگرد حاج قاسم عزیز

از سیره علوی تا مهندسی تردید در جامعه معاصر ایران

بیانات رهبر انقلاب در روز ولادت امیرالمؤمنین(علیه السلام) را می‌توان نه به مثابه یک سخنرانی دینی یا سیاسی، بلکه به عنوان یک تحلیل اجتماعی از وضعیت کنونی جامعه ایران در مواجهه با سازوکارهای سلطه فهم کرد. در این خوانش، ارجاع مکرر به دوران امیرالمؤمنین نه بازگشت به تاریخ، بلکه استفاده از تاریخ به عنوان «مدل تحلیلی» است؛ مدلی برای فهم چگونگی شکست یا توقف یک پروژه‌ی حق، نه از مسیر ضعف در قدرت سخت، بلکه از مسیر اختلال در اراده و آگاهی جمعی.

۱. مسئله اصلی: چرا حق قدرتمند زمین‌گیر می‌شود؟

رهبر انقلاب به صراحت بر این نکته تأکید می‌کند که امیرالمؤمنین(علیه السلام) در هیچ مواجهه‌ی نظامی مغلوب نشد. این گزاره، در سطح اجتماعی، یک پرسش بنیادین را پیش می‌کشد: چگونه ممکن است کنشگری که در «قدرت سخت» پیروز است، در تحقق کامل اهداف تاریخی خود با مانع مواجه شود؟

پاسخ سخنرانی روشن است: ولایت بدون مردم کاری نمی‌تواند بکند، مسئله، مردم‌اند؛ نه به عنوان توده‌ای منفعل، بلکه به عنوان حاملان معنا، انگیزه و تصمیم. آنجا که پیوند ذهنی و عاطفی مردم با مسیر حق دچار اختلال می‌شود، حتی قوی‌ترین رهبری نیز دچار محدودیت می‌گردد. این همان نقطه‌ای است که بیانات آقا از سطح سیاست به سطح جامعه‌شناسی قدرت منتقل می‌شود.

۲. جنگ نرم به مثابه فناوری اجتماعی

در این چارچوب، «جنگ نرم» نه یک ابزار تبلیغاتی، بلکه یک فناوری اجتماعی برای تولید ناتوانی ذهنی است. آنچه آقا توصیف می‌کند، بسیار نزدیک به مفاهیمی مانند تردید ساختاریافته، فرسایش انگیزه جمعی و گسست میان کنش و نتیجه.

در این وضعیت، جامعه به تدریج به این باور می‌رسد که تلاش بی‌فایده است، هزینه‌ها حتمی‌اند و پیروزی ناممکن. این همان وضعیتی است که در علوم اجتماعی از آن به عنوان نوعی «درماندگی آموخته‌شده‌ی جمعی» یاد می‌شود؛ وضعیتی که در آن جامعه، پیش از آنکه واقعاً شکست بخورد، در سطح ذهنی تسلیم می‌شود.

۳. تخریب سرمایه نمادین؛ از تحقیر دستاورد تا انکار توان

یکی از مصادیق کلیدی جنگ نرم که در سخنان آقا برجسته می‌شود، مسکوت گذاشتن داشته‌ها و توانایی‌های جامعه است. در این الگو، مسئله فقط دروغ‌گویی نیست، بلکه حذف نظام‌مند روایت توانستن است.

وقتی جامعه پیشرفت‌های خود را نبیند، دستاوردهایش را باور نکند و دائماً خود را ناتوان، عقب‌مانده یا شکست‌خورده تصور کند، آنگاه به طور طبیعی وارد مرحله‌ی «تحقیر درونی» می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن تسلیم نه یک اجبار بیرونی، بلکه یک انتخاب عقلانی جلوه می‌کند. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که سلطه بدون نیاز به اشغال مستقیم عمل می‌کند.

۴. عدالت و تقوا؛ ابزار بازسازی اعتماد اجتماعی

در چنین وضعیتی، بازگشت آقا به دو مفهوم «عدالت» و «تقوا» را باید یک نسخه‌ی ترمیم اجتماعی دانست. عدالت در این سخنرانی، صرفاً توزیع منابع یا رسیدگی قضایی نیست، بلکه بازسازی احساس انصاف و معنا در جامعه است؛ احساسی که بدون آن، هیچ نظم سیاسی پایداری ممکن نیست.

تقوا نیز در این چارچوب، نوعی «خویشن‌داری راهبردی» است؛ توانایی ترجیح مصلحت کلان اجتماعی بر واکنش‌های هیجانی، قهر سیاسی یا کناره‌گیری از میدان. این تعریف از تقوا، دقیقاً در برابر آن الگوی رفتاری قرار می‌گیرد که جامعه را به انفعال، شکاف و خودفرسایی سوق می‌دهد.

۵. اعتراض، اغتشاش و مرز فروپاشی اجتماعی

تحلیل آفا از اعتراضات اقتصادی، واجد یک نگاه جامعه‌شناختی دقیق است. اعتراض به‌عنوان یک کنش اجتماعی، نه‌تنها نفی نمی‌شود، بلکه به‌رسمیت شناخته می‌شود. اما خطر دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که اعتراض، به بستری برای تزریق بی‌اعتمادی، ناامنی و شکاف اجتماعی تبدیل گردد.

در این نقطه، اعتراض دیگر ابزار اصلاح نیست؛ بلکه به پیاده‌نظام دشمن و جنگ نرم بدل می‌شود. تمایز میان این دو، نه با سرکوب، بلکه با آگاهی اجتماعی و مرزبندی فعال مردم و نخبگان ممکن است.

۶. جمع‌بندی: نبرد بر سر آگاهی

در نهایت، بیانات رهبر انقلاب را می‌توان چنین خلاصه کرد که نبرد امروز، پیش از آنکه نبرد موشک و اقتصاد باشد، نبرد بر سر آگاهی، معنا و اراده جمعی است. همان نبردی که در دوران امیرالمؤمنین(علیه السلام) نیز جریان داشت و امروز با ابزارهایی پیچیده‌تر، اما منطقی مشابه، بازتولید شده است.

در این نبرد، جامعه‌ای پیروز است که دچار تحقیر درونی نشود، پیوند خود با توانمندی‌هایش را حفظ کند و اجازه ندهد تردید، جای حقیقت را بگیرد. این سخنرانی، در نهایت، نه هشدار سیاسی، بلکه راهبرد مقاومت و پیروزی است.

ابراهیم نورمحمدی

فعال اجتماعی

۱۶ دیماه ۱۴۰۴

نویسنده : سید علی مدد زیدی، تاریخ ارسال : چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴ ساعت ۳:۵۹ بعد از ظهر